

شاعری درجا پان

بیوسته بگذاشته

ترجمه علی اصغر خان

این قصه در قرن شانزدهم در موضوع دوشخص که یکی آنها بنام «ریکیو» مسیعی و ماستر مراسم و تعارفات مخصوص چای و دیگری با اسم «نیکو هید بوشی» معرف و آقای جنگ بود گفته شده. شخص اولی گلها را خیلی دوست داشته و در پرورش آنها منتهای مواظبت بعمل می آورد. ثانوی خیلی مشتاق دیدار و ملاقات رفیق خود بود. روزی ریکیو رفیق خود را جهت صرف چای در هنگام صبح دعوت نمود. ضیافت با کمال محبت پذیرفته شد نیکو به نسبت صرف چای مشاهده گلهای قشنگ و نفیس خود را و بیشتر اهمیت داده و در وقت موعود بطرف منزل دوست عازم گردید. چون بخواهد رفیق مواسلت جست برخلاف توقع در اطاق کئی را ملاحظه نتوانست خیلی بر آشفت با کمال خستونت از ریکیو پرسید کجا است جلال و افتخار گلهای خندان و گو آن بته های گلهای قشنگ؟ ریکیو در جواب هیچ نگفته و کاملاً خاموش بود درین هنگام سردار مغموم به تعقیب رفیق داخل اطاق گردید، بگوشه نشست و اطراف را بدقت مینگریست با لایحه در کنج اطاق ملاحظه کرد گل خندان در دهان متبسم خود را بطرف او کشاده است آن گل بقوس و قزحی که از نظرها دور باشد شباهت کاملی داشت. بهت و تحیر اطراف نیکو را فرا گرفته و در دریای حیرت غوطه ها میزد در مقابل

مهارت و استادی ریکو کاملاً مغلوب و ورشکسته گردید نقطه مهم و اصل موضوع در اینجا است که ریکو با چه تراکت و دلبری کسی را که دروادی آشفته‌گی و تأسف قدم‌میز دیدار و متنبه ساخته و بهترین موقعی را برای او تهیه کرد در آن گوشه قدری تا یک تشعشع آن گل تابان تا چه حد روح ریکو را مجذوب و از عوالم خارج کاملاً منزوع گردانید گو یا مهارت ریکو افکار رفیق خود را قریب‌بان این موقع نازک و اثرات آن گردانید.

این شخص موقع شناس از بین گل‌های تریه شده خویش صرف یکی را انتخاب و مانند صانعی که جهت نمایش بهترین نمونه صنعتی خویش را بمرسئ نمایش میگذارد قابلیت ذاتیه خود را برای دوست اشعار نمود. کسیکه در زاویه تنهایی و انزوای عزلت گزیده و غریق لجه تخیلات معنوی و افکار روحی گردد میتواند که همه هوا و هوس و جمله خواهشات و تمایلات خود را بیکسو گذاشته رشته علائق را از عالم مادیات کاملاً برکند. این وقت است که شخص حوصله تمامی جهت استماع قصائد پیدا کرده میتواند آری و آن هنگام چه وضعیت منموز و چه حالت خواب آلودی بروی کار آمده بود. تنها از او و خاموشی میتوانستند که تمامیت یک شخص را مضمون و محفوظ نگاه دارند.

اگر شعرا 'متفنین' و رجال بزرگ جاپان گذشته را تحت دقت گرفته و بدانیم که آبا از چه رهگذر اثرات خود هارا نیکو و نفیس جلوه داده و سمت محبوبیت را بدست آورده اند خواهیم دانست که صرفاً اثر موقع بهتر و نازکی آن همه شاهکارها و قابلیت‌های خود را به بهترین صورت بموضع اجرا گذاشته اند و نیز اگر ما چاپانیها در شاعری 'نقاشی و اجرای مراسم مخصوصه‌تی ایزم زمان مخصوصه‌ته را اهمیت نداده و قدر موقعیت نازک و نفیس را پوره حس نتوانیم گوید در مقابل فن سهو بزرگ از ماسر زده

و حالت مابه آن مردمان بیخانه که در اطراف ممالک آواره گردی میکنند شباهت کاملی بهم میرساند و اگر مادر بدر فن گشته و بطرف موقع آن توجهی بعمل نیاریم رفعت و جلال سابقه خودهارا از دست خواهیم داده و از این لحاظ است که نمی‌ایزم از همه اولتر بموقع ارتباط داشته و اثرات آن در وقت مهم بیشتر خواهد بود و علاوهً این راهم میدانیم که کثرت اشخاص از اثر تشتت و عدم روابط افکار و اخلال تنهایی قابل استفاده ادبی نخواهد بود.

شاعری در جایان جهت انتظام و ارتباط افکار موقع خاموشی.

و گوشه تنهایی بکار دارد.

از زمانه‌های بعیدی است که در مغرب بیانات و الفاظ مخصوصی راجع به «دیوانه نیکو» گفته میشود این گفتار متضمن مزخرفات چندی هم میباشد می‌گویند روزگاری که شخص بمقام شامخی صعود نموده و تاج گل را به نسبت افتخار بسر میزند دیوانه خواهد شد و هر شاعری که مرتبه اش بزرگتر گردد در حالت جنون را بدست خواهد آورد چنانچه جهت اثبات این بیابیه شیلی Shelly را نمونه قرار میدهند ولی در مقابل نظریات و افکار جایانی این مقوله تماماً مزخرف و بی‌معنی است زیرا شاعر ماهر و با درایتی تاج کلی را آنقدر اهمیت نداده و بجاده جنون روان نخواهد شد بلی در جایان شاعری حالت خود سری را از خود بروز نداده و اگر فرضاً مالک آن هم باشد در زاویه عزالت و گوشه تنهایی روح خود را کاملاً ساف و از آلیشات منزله خواهد ساخت. آری شاعر حقیقی ما شخصیات را اثر نداده و فن خود را با عالی درجه تکامل همیرساند و در بین کشاکش و گیر و دار زندگی برای خود مامن درستی پیدا کرده و در آنجا به بهترین صورت به انشا و تحریر می‌پردازد.

مهارت و استادی ریکو کاملاً مغلوب و ورشکسته گردید نقطه مهم و اصل موضوع در اینجاست که ریکو با چه نژاکت و دلبری کسی را که در وادی آشفته‌گی و تأسف قدم میزد دیدار و متنبه ساخته و بهترین موقعی را برای او تهیه کرد در آن گوشه قدری تا یک تشعشع آن گل تابان تا چه حد روح ریکو را مجذوب و از عوالم خارج کاملاً منزوع گردانید گویا مهارت ریکو افکار رفیق خود را قرین بان ابن موقع نازک و اثرات آن گردانید.

ابن شخص موقع شناس از بین گلهای تریه شده خویش صرف یکی را انتخاب و مانند صانعی که جهت نهبش بهترین نمونه صنعتی خویش را بمرض نهد تا میگذارد قابلیت ذاتیه خود را برای دوست اشعار نمود. کسیکه در زاویه تنهایی و انزوای عزلت گزیده و غریق لجه تخیلات معنوی و افکار روحی گردد میتواند که همه هوا و هوس و جمله خواهشات و تمایلات خود را بیکسو گذاشته رشته علائق را از عالم مادیات کاملاً برکند. این وقت است که شخص حوصله تمامی جهت استماع قصائد پیدا کرده میتواند آری و آن هنگام چه وضعیت مرمر و چه حالت خواب آلودی بروی کار آمده بود. تنها اثر او و خاموشی میتوانند که تمامیت یک شخص را مضمون و محفوظ نگاه دارند.

اگر شعرا متفنین و رجال بزرگ جاپان گذشته را تحت دقت گرفته و بداندیم که آبا از چه رهگذر اثرات خود را رانیکو و نفیس جلوه داده و سمت محبوبیت را بدست آورده اند خواهیم دانست که صرف اثر موقع بهتر و نازکی آن همه شاهکارها و قابلیت های خود را به بهترین صورت بوضع اجرا گذاشته اند و نیز اگر ما چنانچه در شاعری نقاشی و اجرای مراسم مخصوصه‌تی ایزم زمان مخصوصه‌ته را اهمیت نداده و قدر موقعیت نازک و نفیس را پوره حس نتوانیم گویا در مقابل فن سهو بزرگ از ماسر زده

و حالت مابه آن مردمان بیخانه که در اطراف مالک آواره گردی میکنند شباهت کاملی بهم میرساند و اگر مادر بدر فن گشته و بطرف موقع آن توجهی بعمل نیاریم رفعت و جلال سابقه خودهارا از دست خواهیم داده و از این لحاظ است که تنی ایزم از همه اولتر بموقع ارتباط داشته و اثرات آن در وقت مهم بیشتر خواهد بود و علاوه این راهم میدانیم که کثرت اشخاص از اثر تشتت و عدم روابط افکار و اخلاص تنهایی قابل استفاده ادبی نخواهد بود .

شاعری در جایان جهت انتظام و ارتباط افکار موقع خاموشی.

و گوشه تنهایی بکار دارد .

از زمانه های بعیدی است که در مغرب بیانات و الفاظ مخصوصی راجع به «دیوانه نیکو» گفته میشود این گفتار متضمن مزخرفات چندی هم میباشد میگویند روز گاری که شخص بمقام شامخی صعود نموده و تاج گل را به نسبت افتخار بسر میزند دیوانه خواهد شد و هر شاعری که مرتبه اش بزرگتر گردد در حالت چون را بدست خواهد آورد چنانچه جهت اثبات این بیابیه شیلی Shelly را نمونه قرار میدهند ولی در مقابل نظریات و افکار جایانی این مقوله تماماً مزخرف و بی معنی است زیرا شاعر ماهر و با درایتی تاج گلی را آنقدر اهمیت نداده و بجاده جنون روان نخواهد شد بلی در جایان شاعری حالت خود سری را از خود بروز نداده و اگر فرضاً مالک آن هم باشد در زاویه عزالت و گوشه تنهایی روح خود را کاملاً ساف و از آلیشات منزله خواهد ساخت. آری شاعر حقیقی ما شخصیات را ترک داده و فن خود را با عالی درجه تکامل همی رساند او در بین کشاکش و گیر و دار زندگی برای خود مامن درستی پیدا کرده و در آنجا به بهترین صورت به انشا و تحریر می پردازد .

در موضوع اهمیت سادگی و عدم تکلف بارها مصاحبه نموده و یقین دارم که این وضعیت در بین زندگانی و فن فرقی نخواهد گذاشت آری در تنهایی و سادگی شاعر افکار متشته خود را بکمال اطمینان جمع کرده و بدرجه در دریای تفکرات و خیالات بلند معنوی فرو میرود که حتی طعم زبان خویش را هم فراموش میکند این زمان الفاظی چند اثرات مهمی فراهم ساخته و کلمات مختصره معانی مهمه و اشارات مفیده خواهد نمود آن زمان است که مرتبه شاعر خیلی رفیع و نه تنها مورد احترام و عزت احباب و آشنایان قرار خواهد یافت بلکه هر کس وجودش را غنیمت شمرده و در مقابل طریق اطاعت و خلوصیت را خواهد دید بود زیرا مری بزرگ و ناصح عالی مقامی شاعر بوده و تنها عیب و نقصی را او اصلاح میتواند و علاوه جرئت مینمائیم آنکه شعرای جاپان نسبت بادبای باقی ممالک ممتاز بوده و با کمال رقت خوانندگان خود را متأثر میسازند .

روح شاعری

اینک بیاد چهل سال پیشتر یعنی آن روز خوشگوار و فراموش ناشدنی همان آغوش کوه کلیفورنیا که از بته های با آب و تاب ^{رنگارنگ} کو کسناز و پروانه های ملونه مشحون گردیده بود و بالاخره همان مرغزار مرغوییکه دلربائی و نفاستش را برنده خوش خوان و قشنگ کاکلی خیلی افزوده بود سخن میراثم . آری هنگام بهار است کائنات بانیکوترین تظاهرات جلوه گری کرده و روح هر شخص حساس را مستغرق تماشا و حیران و دایع بر قیمت که هر کدام علویت و نزاکت جدا گانه دارند میگرداند ساعت ۹ روز زمانی است که هنوز سرو روی گلهای از حرارت شمس برهنه نشده و چادر شبنم آنها را پوشانیده است . اطاق کوچکم در بین بته های گلاب موقعیت دارد در اینجا پلی است که معبر عمومی را با این اطاق ارتباط میدهد . وقتی است که یکی

از دوستان امریکائیم مرا صدا زده و میخواهد داخل خانه گردد. از ملاحظه کرد که رشته تابان الهاس مانندی از روی چوبهای درب اطاق و از جالی عنکبوتی بطرف باغ نرمت و صفا امتداد یافته نحو است موجب انکسار و یا علت انهد ام آن رشته درخشان گردد و خواهش نکرد که سلسله افکار و تصورات عنکبوت بیچاره را که او نیز از مزایای این منظره زیبا استفاده میخواهد مختل و برانگیزد. با خود گفتم این شخص چه روح شریفی دارد گویا درست حقیقی جاپانیها و صاحب افکار آنها بوده و حقیقت این رشته را با حالت عنکبوت بخوبی درک توانسته است. شعرای جاپانی در بین خودها و حقیقت فاصله معینی را محفوظ نگاه میدارند آنها شخصیات را بر طرف و نسبت به اجتماعی و کثرت اشخاص تنهایی و عزت را بیشتر اهمیت میدهند. تصور و ملاحظه آنها با دیگران خیلی متفاوت است مثلا شخصی درختی را از حیث صورت ظاهری و شاخچه و برگ ملاحظه میکند و حال آنکه شاعر جاپان تمام درخت را از نقطه نظر اینکه روح و جاهت در آنجا کجاست کرده خواهد نگریست. برخلاف مغربیان شعرای جاپان تنها و در خاموشی با محبوبه و جاهت معاشقه میورزند.

رتال جامع علوم انسانی

ما شعر خیلی خوشیم که در قصر فراموش شده تنهایی حیات خودها را به پایان برسانیم خیلی خوش داریم که خودها را بواسطه صفاتی تفکرات افکار عالییه متکامل سازیم به نسبت عدم استعمال بلاغتها و تلازمات مشکله شاعری شعرای ما الفاظ معدود و مختصری را استعمال کرده و از مشکل پسندی کنار جوئی میورزند زیرا آنها بی اهمیتی مشکلات مذکور را پوره فهمیده اند. ما جاپانیها با کمال اختصار و ایجاز سخن میزنیم چنانچه گفتار هوکو Hokku بزرگترین نمونه شاعری جاپان و ابراز سادگی و ایجاز آن میباشد.

«Nanaye yaye

Hichido garan

Vaye zakura . »

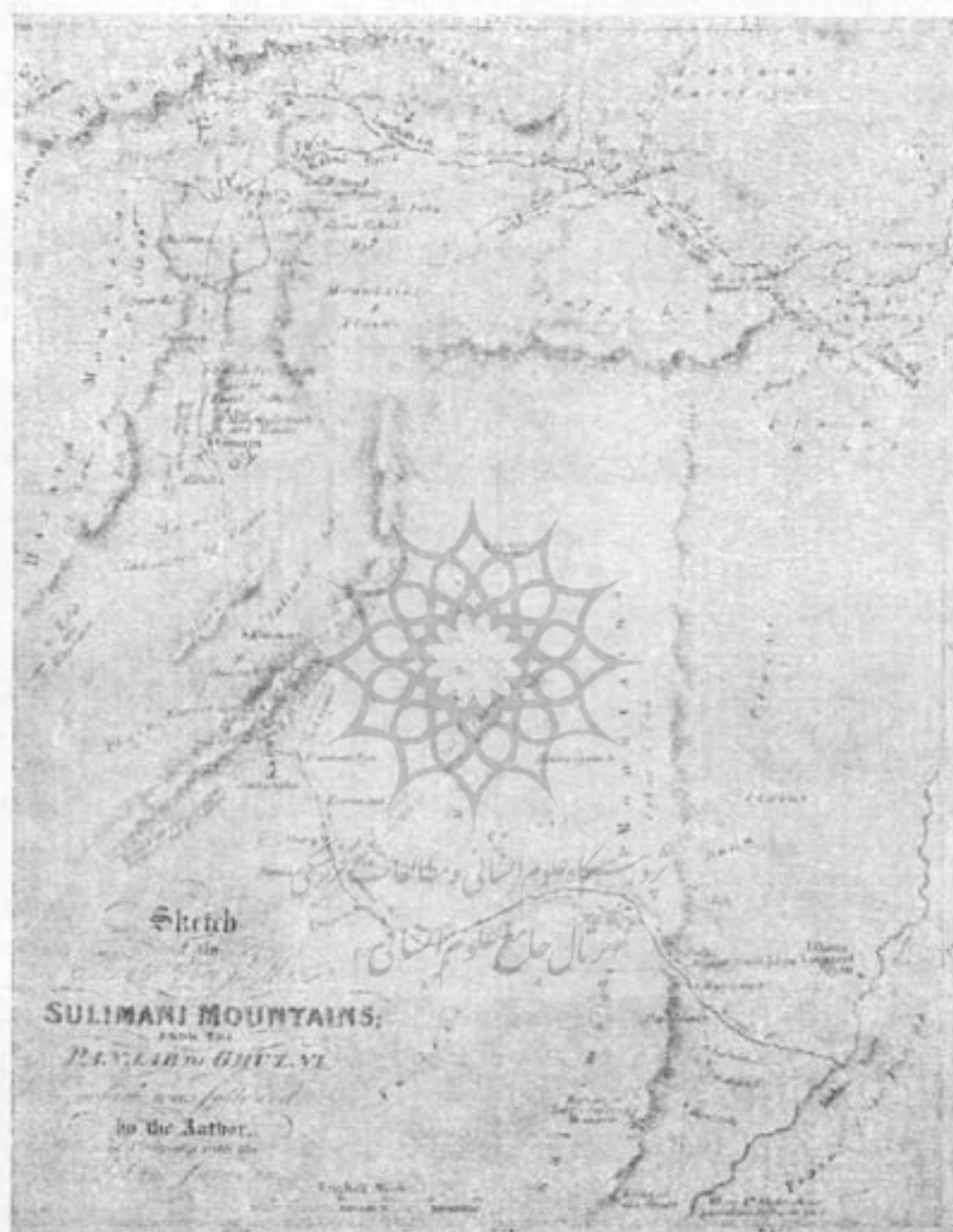
شاعر موصوف در هنگام بهار از مشاهده شکوفه های آلبالو و ملاحظه برج های معبدی که در وسط اشجار مزین نمودار میشدند متأثر شده و با کمال وضاحت و ادبیت حقیقت این مسئله را بدون افزایش و کاهش ابراز داشته است . سادگی و عدم تکلف اختصار و اظهار حقیقت از امتیازات مخصوصه شاعری در جاپان است . یکی از دوستان اشعار او را خیلی تعریف و افکار صاف او را از ارحقیقت گوئی تقدیر کرده . اگر ما بتاریخ ادبیات قدیم جاپان مراجعه کرده و شاعری دورهای ماضیه آن رانحت مطالعه بگیریم خواهیم دید که برخلاف کتب موافقات مغرب که همه برای عموم و استفاده مردمان نحریر می یافتند در جاپان انتشار کتب بصورت اتفاقی بوده و مقصد مشخص آنها همانا انتشار و عمومیت کتب بوده است . در اواسط قرن هفده در تحت اداره توکوگا و اشاگونیت Tokugawa shogunate انتشار و توزیع کتب جهت مطالعه عموم جدیداً بروی کار آمده حکایات افسانه ای و مضامین مختلفی بذریعه اشخاص لائق و شعرای برجسته نوشته میشدند چنانچه اکثر آنها تا امروز نیز اهمیت و اعتبار کامله دارند . اگر چه کتب مذکور اکثراً بغرض تفریح و ساعت تیری نحریر می یافتند باز هم دوائر مخصوصی از قبیل احباب و دوستان مصنفین از آنها استفاده جسته و دیگران از مطالعه و با استفاده محروم بودند .

دوره هیان Heian « ۸۰۰ الی ۱۲۰۰ » عصر مخصوص نثر نویسی جاپان بوده و درین دوره نسبت بردها خانم ها امتیاز تخیصی حاصل کرده بودند . مهیمرین نثر نویس آن وقت مورا ساکی شیکیبو Murasaki shikibu « یاسیشونا کون »

«Seishonagon» کسانی هستند که نثر نویسی را خیلی بلند برده و مآثر فکریه آنها بسیار قدر و قیمت پیدا کرده نتوانسته است ایشان با دییات خیلی اهمیت داده و گفتار آنها از حیث نفاست و ادبیت مقام بلندی را اشغال کرده است. اثر قیمت دار و بسیار دلچسپ سیشوناگون یا ما کورا نو سوشی انواع نمونه های متکا میتوانند که وقت فراغت انسان را بخوبی متصرف شوند چنانچه خود نویسند. نیز در این خصوص اشارتی کرده. بعد از آن دیگر اثری علنی نگردید. متیقنم که در هر جائیکه امثال این گوهر زمین دستیاب گردد خیلی بر بها بوده و در صحنه ادبیات کشور جاپان در صف اول احرا ز موقعت خواهد نمود و چون مصنفه موصوفه با کمال بلاغت و تلازمات ادبی اثر خود را آرایش نداده علت آن است که او نمیخواست یاد گارها و مآثرش جهت مدح و تفریح برای عموم ارائه شود بلکه همه نگارشات و اثرات ادبیه مذکوره صرف بطور خصوصی و با محیط محدودی صورت تحریر را در بر کرده است. نه تنها در هنگام سیشوناگون ادبیات و نثر نویسی رونق بسزائی داشته و نویسندگان موصوفه بطور خصوصی بطور ادبیات خود را ادامه میدادند بلکه شعرای هنگم «هوکو» در آوازه عبادت و تعالی و نیکوکاری برداشته اند و از این لحاظ است که به نسبت خصوصیت ها و افکار مخصوصه دانستن معانی و حقیقت نگارشات شان تا يك حد مشاغل بنظر میخورد.

«باقی دارد»





خط حرکت و این معنی کاروان لو حافی -
(متعلق مقاله کتاب و این)